



تصویر: AP

از کشتی کریستف کلمب تا زندان جورج بوش

پنج قرن میزبانی «گوانتانامو» از میهمانان ناخوانده

حمیدرضا آریان‌پور

۱۹۴۰- در نخستین روز جولای، قانون اساسی تازه کوبا برقرار کرد که «قلمروی جمهوری شامل جزیره کوبا، جزیره کاج‌ها و دیگر جزایر و زمین‌های مجاور است که تا زمان تنفیذ پیمان پاریس در ۱۰ دسامبر ۱۸۹۸ تحت حاکمیت اسپانیا بوده‌اند.» در ۴ دسامبر ۱۹۴۰، پرزیدنت روزولت بار دیگر و این بار بر عرشه یواس‌ا توסקالوسا از گوانتانامو بازدید می‌کند.

۱۹۴۸- هشت سال بعد، در ۲۵ فوریه این هری ترومن است که به عنوان رییس‌جمهور آمریکا از این پایگاه دیدار می‌کند. **۱۹۶۱-** دهه ۱۹۶۰، دهه تنش بین آمریکا و کوباست. در ۴ ژانویه، واشنگتن نیویورک مناسبات خود را قطع می‌کند اما پرزیدنت ایزنهاور اعلام می‌کند که این اتفاق هیچ تأثیری بر وضعیت پایگاه دریایی گوانتانامو نخواهد داشت. گفته می‌شود در دوازدهمین روز ژانویه سال ۱۹۶۱، یک کارمند کوبایی گوانتانامو به جرم «حمایت از انقلاب» در پایگاه دریایی گوانتانامو شکنجه شده است. در اکتبر همین سال یکی از کارگران کوبایی پایگاه دریایی به قتل رسید.

۱۹۶۲- در ۲۴ ژوئن این سال، یک ماهیگیر اهل کایمانز،ا توسط سربازان پایگاه کشته شد. در ۱۹ جولای این سال، یک سرباز ۱۷ساله کوبایی در حال پاس نگهبانی کوبایی شلیک کردند. در روزهای ۲۱ و ۲۲ اکتبر و در اوج بحران موشکی کوبا، شهروندان عادی منطقه تخلیه شدند.

۱۹۶۴- در ۶ فوریه، پس از وقایع رسودن ماهیگیران محلی توسط آمریکایی‌های کوبایی تبار ضدکاسترو، کوبا آب شرب پایگاه را قطع کرد تا در ۱۱ فوریه پرزیدنت جلسون شمار کارکنان کوبایی در پایگاه دریایی گوانتانامو را کاهش دهد. در ۱۹ جولای این سال، یک سرباز ۱۷ساله کوبایی در حال پاس دادن در سوی کوبایی حصار گوانتانامو از فاصلای نزدیک به قتل رسید. **۱۹۶۶-** یک سرباز دیگر کوبایی با شلیک از پایگاه کشته می‌شود.

۱۹۷۶- در ۲۴ فوریه سال ۱۹۷۶ میلادی در قانون اساسی سوسیالیستی جدید کوبا در ماده ۱۱ بخش سوم می‌آید که جمهوری کوبا پیمان‌هایی که حاکمیت و تمامیت ارضی کوبا را خدشه‌دار کند بی‌اثر می‌داند.

۱۹۸۵- فیدل کاسترو در ۱۱ ژانویه این سال در جریان دیداری از نیکارآگوئه تلویحااشاره می‌کند که کوبا هرگز توان نظامی برای بازپس گرفتن این منطقه را از آمریکا نخواهد داشت. در اکتبر همین سال رونالد ریگان، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در مصاحبه‌ای با روزنامهنگاران شوروی تصدیق می‌کند که هدف وجود پایگاه گوانتانامو تحمیل حضور ایالات متحده است.

۱۹۹۱- از نوامبر ۱۹۹۱، پنتاگون، خله‌هایی را برای سیل پناهندگانی که از هایتینی می‌آمندساخت.زاران کوبایی به‌آنها می‌پیوندند.بیشتر کوبایی‌ها در آمریکا پذیرفته می‌شوند.ا در ۱۹۹۴ بازداشتگاه‌هایی برای توابه هایتینی ساخته می‌شود.

۱۹۹۶- با اعلام دولت بیل کلینتون مبنی بر پذیرفتن تمام کوبایی‌های گوانتانامو در آمریکا در سال ۱۹۹۵، آخرین گروه کوبایی‌ها در سال ۱۹۹۶ منطقه را ترک می‌کنند. در آوریل ۱۹۹۹، کلینتون در فکر پناه دادن پناهندگان کوزوو در خلیج گوانتاناموست؛ ایده‌ای که بعدا کنار گذاشته می‌شود.

۲۰۰۲- از هشتم ژانویه سال ۲۰۰۲ میلادی آشکار شد بناسط گوانتانامو، مکان نگهداری زندانیان دستگیرشده در جنگ افغانستان باشد. فرو ریختن برج‌های دوقلوی نیویورک و حمله به ساختمان پنتاگون و سرستاند نامه‌های حاوی سیاه‌فخم به مقامات آمریکایی و در پی آن وحشت و تفری که از طالبان و القاعده و دیگر افرایطان اسلامگرا میان مردم آمریکا و غرب ایجاد شد، اجازه مخالفت اندکی را با بازداشتگاه فوق‌امنیتی شدن گوانتانامو داد. در یازدهمین روز از نخستین ماه میلادی دومین سال هزاره سوم میلادی، نخستین گروه از زندانیان اینچنینی گوانتانامو وارد منطقه شدند. هدف از همان ابتدا روشن بود؛ اینکه آنها در اینجا حق نداشته باشند. آنها «اسیر جنگی» نبودند بلکه به «میزازان نامشروع» تبدیل شدند. جورج بوش بعدها در کتاب خاطرات خود، «مقاطع تصمیم‌گیری» حتی از شکنجه تروریست‌ها برای گرفتن اطلاعات حمایت و تلویحا انجام آن را پذیرفت. آن زمان با بهرپرداری از شرایط زمانی بازداشت‌شدگان حتی از حقوق مورد اشاره در کنواسیون ژنو هم محروم دانسته شدند. اما در ۱۶ ژانویه ماری رابینسون، کمیسونر ارشد سازمان ملل در امور حقوق بشر، گفت که اسرای نگهداری‌شده در گوانتانامو اسرای جنگی‌اند. در ۱۴ ژوئن همین سال، کوبا در مجمع عمومی سازمان ملل متحد درخواست کرد که گوانتانامو به قلمرو این کشور بازگردد. اما همدارها ن‌ه‌تنها برای رعایت حقوق

یادداشت

روای تعطیلی گوانتانامو



برای پاسخ به این پرسش که چرا همه تلاش‌ها برای بستن زندان گوانتانامو، ناکام می‌ماند، ناگزیریم به فلسفه وجودی زندان گوانتانامو نگاهی بیفکنیم، سوال این است که چرا ایالات‌متحده برای نگه‌داشتن افرادی که از نقاطی چون افغانستان، سودان، عربستان و… در جزیره کوبا انتخاب کرده است. ایالات متحده در سرزمین خودش و در قلمروهای تحت‌سلطه‌اش مانند افغانستان، زندان نظامی و غیرنظامی کم ندارد. بنابراین علی‌القاعده آمریکا برای نگهداری از این افراد نباید مشکلی داشته باشد. اما در سال ۲۰۰۱، هم‌زمان با حمله آمریکا به افغانستان این زندان هم به وجود آمد که اصلی‌ترین دلیل آن این بود که نمی‌خواستند اسین افراد که مظنون تروریستی بودند و احتمال داشت برای آمریکا اطلاعات ذی‌قیمتی داشته باشند، از حقوقی برابر با زندانیان معمولی برخوردار باشند هدف این بود که آنها را از دسترسی به سیستم حقوقی آمریکا مانند دسترسی به وکیل، دسترسی به خانواده، شرایط استاندارد محیطی، عدم بازجویی شدید (که از آن به شکنجه تعبیر شد) دور نگه دارند. همچنین طبق توافق بین‌المللی، هرگاه صلیب‌سرخ درخواست بازرسی از زندانی را داشته باشد، هیچ مقامی نمی‌تواند و نباید مانع شود؛ در حالی که این موضوع خوشایند مقامات آمریکا نبود. همچنین آمریکایی‌ها مایل نبودند نسبت به کنواسیون ژنو پایبند بمانند؛ کنواسیونی که مشخص می‌کرد کشور غالب در قبال اسرای جنگی چه رفتاری باید داشته باشد. با این توضیحات، در سال ۲۰۰۱، آمریکایی‌ها به دو نتیجه رسیدند: نخست اینکه افراد مظنون به تروریسم باید جایی خارج از خاک ایالات متحده نگهداری شوند تا از حوزه قوقضاییه آمریکا خارج باشند. دوم اینکه این افراد تحت عنوان «اسیر جنگی» نباید مطرح شوند تا از قوانین کنواسیون ژنو دور بمانند. برای محقق کردن دلیل دوم، اصطلاح «جنگجوی دشمن» را اختراع کرد. مقامات آمریکا می‌گویند این افراد فاقد هویت ملی هستند. آنها از کشورهای مختلفی هستند که هیچ‌یک از آنها با آمریکا در حال جنگ نیستند. به این دلیل که هیچ‌یک از آنها از سوی دولت‌های متبوششان برای تخاصم با آمریکا ماموریت ندارند و تنها نماینده ایدئولوژی مشخصی هستند، نمی‌توان واژه «اسیر جنگی» به آنها اطلاق کرد.

اوباما در ابتدای ریاست‌جمهوری‌اش گمان می‌کرد تعطیلی این زندان با دستور و فرمان امکان‌پذیر است ولی زمان نشان داد که این گونه نیست. برخی از افرادی که در گوانتانامو محبوسند حتی مدرکی علیه‌شان نیست تا به اعتبار آن بتوان محاکمه‌شان کرد. بازگرداندن آنها به کشورهای متبوعشان نیز خالی از اشکال نیست. نخست اینکه این احتمال وجود دارد که دولت‌های بدنام، مانند عربستان یا مصر زمان حسنی‌مبارک، آنها را تحت شکنجه قرار دهند و همین تگرانی گروه‌های حقوق بشری را برانگیزد. است. دوم اینکه احتمال اینکه این افراد پس از آزادی مجددا جذب گروه‌های تروریستی مانند القاعده شوند بالاست. در نتیجه قرار بر این است که این افراد همچنان در گوانتانامو باقی بمانند. اظهارنظر اوباما درباره هزینه‌های بالای نگهداری زندان گوانتانامو نیز دلیل محکمی برای بستن آن نیست. باید توجه داشت که هزینه نگهداری این زندان هر قدر هم بالا باشد، در مقایسه با هزینه‌ای که ایالات متحده برای جنگ علیه تروریسم می‌پردازد ناچیز است. با وجود این موضوع اعتصاب غذای زندانی‌های این زندان، شاید روزنه‌ای برای تعدیل آن بشکاید. به این معنا که مقامات زندان را ناچار کند برخورد انسانی‌تری با زندانیان داشته باشند یا روند رسیدگی به پرونده محبوسان را تسریع کنند. این امکان نیز وجود دارد که هم‌پیمانان آمریکا-نظیر کلادا – که تا همین چندی پیش حاضر نشدند تبعه خود را از زندان گوانتانامو تحویل بگیرند و مسوولیت آنها را بپذیرند، ناچار شوند آنها را برای محاکمه به کشور اصلی‌شان بازگردانند. اگر این اتفاقات بیفتد شمار زندانیان گوانتانامو به میزان قابل توجهی کاهش خواهد یافت.

«کارشناس آمریکا

نیم‌نگاه

گفت‌وگو با کارلوس وارنر، وکیل ۱۱ زندانی در گوانتانامو:

اوباما می‌خواهد

تقصیرها را گردن کنگره بیندازد

ترجمه: آرمان بیگی

ماجرای اعتصاب غذای زندانیان «گوانتانامو» دوباره توجه نهادهای بین‌المللی را متوجه این محل در کوبا کرده‌است. روزنامه «لیبراسیون» اما بعد از ارایه گزارش‌های متعدد از این زندان به سراغ کارلوس وارنر، وکیل ۱۱ زندانی در گوانتانامو رفته و در کلیولند «اوهایو» او را پیدا کرده است. وارنر در این گفت‌وگو می‌گوید از طریق تلفن با موکلینش صحبت کرده و از برخورد بد زندانیان‌ها گلایه دارد. او می‌گوید اعتصاب غذا شرایط را وخیم‌تر از هر زمان دیگری کرده است و دلیل ناکامی «اوباما» در تعطیل کردن این محل را هم نداشتن اراده سیاسی لازم عنوان می‌کند.

۴ آخرین خبری که از زندانی‌ها در گوانتانامو دارید، چیست؟

در گوانتانامو مثل یک ماه پیش هنوز هم ۱۳۰ نفر اعتصاب غذا دارند. ماموران نظامی می‌گویند بیش از صدنفر اعتصاب غذا کرده‌اند که به ۲۴ نفر آنها به‌زور غذا داده‌اند. از زمان تأسیس گوانتانامو، از لحاظ شدت و مقاومت، این بزرگ‌ترین جنبش زندانی‌هاست. شرایط واقعا وحشتناک است. خود ارتش آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرده که جان زندانی‌ها در خطر است. طبیعی است که هر فردی هم ۸۵ روز غذا نخورد، زندگی‌اش به خطر بیفتد. ممکن است که بالاخره برخی از اعضای بدن از کار بیفتند و در نهایت ممکن است که زندانی‌ها حتی دست به خودکشی هم بزنند.

۴ توانسته‌اید با هیچ کدام از موکلینتان در گوانتانامو صحبت هم کنید؟

جمعه هفته گذشته توانستم بافایز الکندری، یک کویتی که ۱۱ سال در گوانتانامو حبس است و از ۶ فوریه اعتصاب غذا کرده، صحبت کنم. به او گفتم تلاش می‌کنم تا به گوانتانامو ببایم و درباره این شرایط حرف بزنم. به من گفت نظامی‌ها حداقل کل می‌توانند با زندانی‌ها صحبت کنند. گفت ما هم بشیریم و زبان داریم. در گذشته سربازها بلد بودند با زندانی‌ها حرف بزنند ولی این دفعه انگار این کار را هم بلد نیستند. در حال حاضر نظامی‌ها حتی تلاش نمی‌کنند تا این اعتصاب غذا به پایان برسد. آنها فقط در مقابل این افرادی که رو به موت هستند، بلند از زور استفاده کنند. مثل حیوان با این زندانی‌ها رفتار می‌کنند. فایز به من گفت آرامش را از آنها گرفته‌اند، نمی‌خواهند بازجویی‌شان کنند و حالا هم نمی‌گذارند به در آرایش می‌برند. بعضی وقت‌ها فکر می‌کنیم فیلم وحشتناکی بر پایه تفکر جورج اورول می‌بینیم.

۴ این زندانی که می‌گویید، گفتگت چطور با توسل به زور به او غذا داده‌اند؟

به من گفت خیلی وحشتناک بوده. این مورد را جزه‌به‌جزه برای وکیل نظامی‌اش هم تعریف کرده‌است. سربازها از لوله‌های خیلی پهنی استفاده کرده‌اند، با و سر زندانی را در حین انجام تزریق غذا بسته‌اند و نیروهای زیادی حین عملیاتی که بین ۴۵ دقیقه تا دو ساعت طول کشیده، به‌زور لوله را وارد بدنش کرده‌اند. سربازها لوله را از طریق بینی وارد کرده‌اند ولی چون اغلب بینی‌ها مناسبی برای انجام این کار نیست، خون زیادی از زندانی رفته است.

وقتی لوله به سینه‌وس‌ها رسیده مثل تیغ صورت‌تراشی که بدن را ببرد، چنان دردی به زندانی داده که زیر گریه زده‌است. همه اینها را فایز برایم تعریف کرد و گفت وقتی لوله به گلو رسیده حالت تهوع داشته و به‌سختی می‌توانسته نفس بکشد. در پایان هم وقتی لوله به معده رسیده، با توجه به فشار زیادی که تحمل کرده، چند بار بالا هم آورده است. بعد، وقتی به سلولش برگشته، درد گرسنگی حس کرده که بعد از ۸۴ روز اعتصاب غذا لوس نکرده بود. این رفتارها کاملا وحشیانه و خلاف اصول اخلاق پزشکی است.

۴ سازمان ملل این رفتارها را شکنجه دانسته است. اوباما هم دوباره گفته می‌خواهد گوانتانامو را تعطیل کند. به نظر شما امیدی هست؟

این مورد قدم مثبتی است ولی ما منتظر عملی شدن وعده‌ها هستیم نه اینکه فقط حرف باشد. رئیس‌جمهور قدرت دارد و می‌تواند از قانون استفاده کند. ۸۶ زندانی هستند که می‌توان آنها را به کشورشان یا یک کشور سوم فرستاد. عربستان سعودی، قطر یا کویت سه کشوری هستند که متحد آمریکا محسوب می‌شوند و مراکز بازپروری‌ای دارند که شمار زیادی می‌توانند به آنجا برونند. برای ۷۴ زندانی هم که جرمشان ثابت نشده، آمریکا باید یکی از این دو راه را در پیش بگیرد. با اینکه آنها را با ججویی کند یا اینکه آزادشان کند. البته برای انجام چنین کاری نیاز به شجاعت سیاسی است. به هر حال نمی‌توان آنها را به این بهانه ساده که ممکن است در آینده دست به کاری بزنند در گوانتانامو گذاشت. این مخالف با اصول و قوانین آمریکا است.

۴ اوباما می‌تواند گوانتانامو را ببندد، ولی فکر نمی‌کنید کنگره مخالف‌اوست؟

رئیس‌جمهور می‌خواهد تقصیرها را گردن کنگره بیندازد والا قانون موجود به او اجازه می‌دهد که زندانی‌ها را در صورتی که امنیتی‌حاملی اجازه بدهد. از گوانتانامو خارج کند. خود اوباما گفته این مکان با بازماندن مغایر با منافع امنیتی آمریکاست. کاری که او باید انجام بدهد این است که نشان دهد به عنوان رئیس‌جمهور شهامت و شجاعت لازم را دارد! اگر اراده سیاسی پشت این ماجرا بود، گوانتانامو در عرض یک سال بسته می‌شد، همان‌طور که باراک اوباما در سال ۲۰۰۹ قولش را داد.

